

استحسان (ش.ش / فر.ش)

استحسان (ش.ش / فر.ش) در لغت به معنای خوب دانستن چیزی است؛ در حوزه ی فلسفه علم عبارت از موجبات موجهیت یک قضیه نه بدلیل منطقی، بلکه به علل زیبایی شناختی و خوشایندی و عامه پسند.

گاهی عدم پذیرش یک گزاره (سلب موجهیت یا موجهیت سلب) نیز بدلیل استحسانی است. مثلاً "توجه یا عدم توجه بیش از حد به علوم تجربی میتواند استحسانی باشد، گزاره های حامی هر یک از این دو رویکرد، همان استحسانیات هستند.

بسیار دیده می شود که فرد به جای استدلال، با استحسانیات، مدعای خود را به کرسی می نشاند. البته استحسان ها همیشه مخرب نیستند؛ اما باید بشدت توسط نگاه های انتقادی مراقبت شوند.

گزاره های اخلاقی، مانند عدالت خوب است، استحسانی نیستند و از پشتوانه های بسیار استواری برخوردارند. بخلاف آنچه مربوط به آداب و رسوم است. استحسان در حوزه فرهنگ شناسی، به خوشایندهای فرهنگی اشاره دارد. معمولاً فرهنگ ها بخش بزرگی از چفت و بست های خود (ارزشها و آداب و رسوم فرهنگی و خصیصه های عملکردی مانند چه غذایی بخوریم چگونه بخوریم و...) را با استحسانیات سرپا نگه می دارند. نگاه کنید به تعریف فرهنگ . فرهنگ همان راهکارهای شایع موجه در یک جامعه برای برطرف کردن نیازها است. این موجهیت خیلی وقت ها استحسانی است. مثلاً مردم ایران و سایر ملل غذاها و نوع پوشاک و لهجه و ... ایرانی و... را با استدلال علمی تایید و توجیه نمی کنند. بلکه آن

را خوش می دارند. این همان پذیرش زیبایی شناختی یا استتیک است و نه لوجیک. مثلا ما ایرانی ها خوردن خورشت سبزی را مستحسن می دانیم. نه با استدلال که با پشتوانه ای از مقوله ی پسند. استحسان در حیطه ی فرهنگ و زیبایی شناسی، کم مخاطره و در قلمروی علم مخاطره انگیزتر است.

استحسان